

The Relationship between Corporate Cultural Dimensions and Management Behavior (Optimism) with Financial Reporting Risk in Tehran Stock Exchange

Ghodrat Hedayati¹

Zohreh Hajiha²

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between corporate culture and management behavior (optimism) with financial reporting risk in companies listed in Tehran Stock Exchange. The population of the present study consists of companies listed in Tehran Stock Exchange from 2008 to 2014 and sample size is equal to 109 companies by using screening method after the elimination of outlying observations. This study is an applied study in terms of purpose. The design used in this study is of ex post facto type (by using past information and data). For collecting information, bibliographical method is used and information was collected from Stock Exchange Organization website, Rahavard Novin and Tadbir Pardaz applications. In this study, considering the existing type of data and statistical analysis methods, panel data method was used. The results obtained from data analysis by using multivariable linear regression based on panel data with fixed effects indicated that there is a direct and significant relationship between corporate culture and management behavior (optimism) with financial reporting risk in companies listed in Tehran Stock Exchange.

Keywords: Corporate culture, management behavior (optimism), financial reporting risk.

JEL: D23

¹ Department of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
, Email: Abdorrezaasadi@yahoo.com

² Department of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Corresponding Author, Email: drzhajiha@gmail.com

رابطه بین ابعاد فرهنگی و رفتار (خوش‌بینی) با ریسک گزارشگری مالی در

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

قدرت اله هدایتی، زهره حاجیها^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه فرهنگ شرکت و رفتار (خوش‌بینی) مدیریت با ریسک گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ بوده و حجم نمونه به روش غربالگری (با استفاده از فرمول کوکران) برابر با ۱۰۹ شرکت است. روش تحقیق توصیفی-همبستگی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و استفاده از اطلاعات سایت سازمان بورس اوراق بهادار، نرم‌افزار تدبیر پرداز بوده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های پانل با اثرات ثابت نشان داد بین فرهنگ شرکت و رفتار مدیریت با ریسک گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین این نتایج حاکی از ارتباط معکوس بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان و نیز ارتباط مستقیم بعد فرهنگی فردگرایی با ریسک گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ شرکت، رفتار (خوش‌بینی) مدیریت، ریسک گزارشگری مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: D23

^۱ کد DOI مقاله: 10.22051/fm.2017.14303.1305

^۲ کارشناس ارشد رشته حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: drzhajiha@gmail.com

^۳ دانشیار گروه آموزشی حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول

Email : ghodrat.hedayati@gmail.com

مقدمه

نقش اصلی گزارشگری مالی در بازارهای سرمایه فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه‌ی منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به‌عنوان یک عامل مهم مورد استفاده تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تحلیل‌گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران در سال‌های اخیر به گزارش مالی شرکت‌ها توجه زیادی داشته‌اند (کریمی و عمرانی، ۱۳۹۲).

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است. یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب جذابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران می‌شود؛ شفافیت است. بر مبنای این تحقیقات، شفافیت در گزارشگری مالی می‌تواند اعتماد جامعه سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. در طرف مقابل، عدم شفافیت می‌تواند موجب بدبینی و کژ اخلاقی شده و در نهایت به ارزش‌گذاری ضعیف شرکت و عدم اطمینان بینجامد. چنین عدم اطمینانی، ریسک اطلاعاتی برای بازیگران بازار به دنبال دارد؛ و تأمین سرمایه در این شرایط مستلزم نرخ بازده بالاتر و در نتیجه هزینه سرمایه بیشتر خواهد بود. شفافیت گزارشگری مالی در کل ریسک شرکت را کاهش می‌دهد (یوسفی اصل و همکاران، ۱۳۹۳).

گرچه گزارشگری مالی فرایندی فنی و تخصصی است اما نمی‌توان تأثیر عوامل رفتاری و فرهنگی را بر آن نادیده گرفت، چرا فراهم‌کننده و استفاده‌کننده آن هر دو انسان هستند و از این رو عوامل انسانی بر آن تأثیرگذار است. بررسی عوامل رفتاری و فرهنگی بر گزارشگری مالی جنبه‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده است. لذا در این پژوهش علاوه بر توجه به اثر فرهنگ شرکت (شامل چهار بعد فرهنگی) تأثیر رفتار مدیریت نیز بر ریسک گزارشگری مالی و فرهنگ شرکت بررسی شده است.

نفوذ فرهنگ در سامانه‌های حسابداری و گزارشگری مالی در کشورهای مختلف بیش از سه دهه است که مورد پژوهش قرار می‌گیرد. ارزش‌های متفاوت فرهنگی از نحوه‌ی عمل حسابداری یکسان در سطح جهانی جلوگیری می‌نماید. فرهنگ یک کشور عامل مهمی است که بر سامانه‌های حسابداری و گزارشگری مالی اثرگذار است تعاملی است که نیاز به بررسی دارد. فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، درک و استنباط و شیوه‌های تفکر یا اندیشیدن که اعضای

سازمان در آن‌ها وجوه مشترک دارند و این همان چیزی است که به‌عنوان یک پدیده درست به اعضای تازه‌وارد آموزش داده می‌شود. فرهنگ نمایانگر بخش نانوشته و محسوس سازمان است (میر سپاسی، ۱۳۹۴). هافستد معتقد است که فرهنگ، برنامه‌ریزی جمعی است که اعضای یک گروه را از سایر گروه‌ها متمایز می‌نماید. هافستد در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ با انجام پژوهشی جامع، ۴ بعد از ابعاد ارزش‌های فرهنگی را به‌صورت زیر مطرح نمود:

بعد اول - اجتناب از عدم اطمینان نسبت به آینده: اجتناب از عدم اطمینان به معنای میزان اضطراب و نگرانی افراد یک جامعه است. وجود تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری کشور و نیز عدم وجود برنامه‌ها و اهداف بلندمدت همگی بر روی میزان امید به آینده افراد و عدم اطمینان آن‌ها نسبت به آینده تأثیرگذار است، یا به‌عبارت‌دیگر، میزان برتری موقعیت‌های ساختاریافته بر موقعیت‌های بدون ساختار از سوی افراد یک جامعه را اجتناب از عدم اطمینان نسبت به آینده گویند (مویج و هافستد، ۲۰۱۴).

بعد دوم - مرد گرایی در مقابل زن گرایی: مرد گرا به جوامع یا سازمان نهادی اطلاق می‌گردد که در آن‌ها نقش اجتماعی افراد برحسب جنسیت به‌روشنی تفکیک شده است و نقش‌های جسورانه و خشن و تأکید بر موفقیت‌های مالی برای مردان و نقش‌های عاطفی همراه با تأکید بر کیفیت زندگی برای زنان در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، زن گرا به جوامع و سازمان‌هایی قابل اطلاق است که در آن‌ها نقش اجتماعی افراد از نظر جنسیت هم‌پوشی دارد و هم مردان و هم زنان باعاطفه بوده و به کیفیت زندگی علاقه نشان می‌دهند، لذا رفتار عاطفی و جسورانه هم در مردان و هم در زنان می‌تواند وجود داشته باشد (فرهنگی، کاووسی و رشید پور، ۱۳۹۴).

بعد سوم - فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی: در جوامع فردگرا، افراد تنها مراقبت از خود و خانواده درجه‌یکشان را وظیفه خود می‌دانند. به عبارتی هر کس به فکر منافع خود و یا خانواده خویش است. درحالی‌که در جمع‌گرایی، بیش‌تر منافع گروهی مطرح بوده و افراد حمایت و مراقبت از گروه و جمع را وظیفه خود می‌دانند (مویج و هافستد، ۲۰۱۴).

بعد چهارم - فاصله قدرت: فاصله قدرت دامنه مشارکت افراد یک جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری است. در جوامعی که فاصله قدرت زیاد است، افراد فرودست تمایلی به ایجاد رابطه نزدیک با افراد فرادست را ندارند. درحالی‌که در جوامعی که فاصله قدرت پایین است، مدیران

¹Mooij & Hofstede

پاسخ‌گوتر بوده و احساس مسئولیت بیش‌تری نسبت به جامعه و عموم مردم دارند و افراد فرودست و فرادست رابطه نزدیک و صمیمانه‌ای باهم دارند (هیلی و پالیپو^۱ ۲۰۱۳)، یا به بیان دیگر، درجه نابرابری بین افراد یک جامعه با فرض نرمال بودن آن جامعه را فاصله قدرت می‌نامند (مویج و هافستد، ۲۰۱۴).

خوش‌بینی مدیران یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت رفتاری نادرست و داشتن اعتقادات مثبت در رابطه با هر یک از جنبه‌های یک پیشامد در شرایط عدم اطمینان تعریف شود. مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بالا هستند اکثراً نسبت به تصمیمات خود و نتایج آن‌ها (علی‌الخصوص) در زمینه تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار خوش‌بین هستند. این مدیران به دلیل خوش‌بینی بیش‌ازحد، ممکن است جریان‌های نقدی حاصل از پروژه‌ها را اشتباهاً بسیار مطلوب پیش‌بینی کرده و از این‌رو بسیاری از پروژه‌ها را بالاتر از ارزش واقعی‌شان ارزش‌گذاری کنند. از طرف دیگر این مدیران اعتقاد دارند که بازار، شرکت آن‌ها را کمتر از واقع ارزش‌گذاری می‌کند و باعث می‌شود تأمین مالی خارجی پرهزینه باشد. به همین دلیل در صورتی که شرکت دارای منابع داخلی باشد، ممکن است مدیرانی با اعتماد به نفس بیش‌ازحد، تمایل بیشتری به گزارشگری مالی با ریسک بیشتر از خود نشان دهند؛ اما در صورتی که تأمین مالی پروژه‌ها نیازمند منابع خارجی باشد، ممکن است سرمایه‌گذاری کمتری صورت گیرد (پاکوان^۲ ۲۰۱۳). پژوهش‌های هیتون^۳ (۲۰۱۶) نیز نشان داد که ریسک گزارشگری مالی در شرکت‌هایی که مدیران آن‌ها دارای خوش‌بینی هستند، شدیدتر است.

با توجه به مطالب ذکر شده، هدف این پژوهش بررسی رابطه فرهنگ شرکت و رفتار (خوش‌بینی) مدیریت با ریسک گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بین فرهنگ شرکت و رفتار (خوش‌بینی) مدیریت با ریسک گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، جهت و شدت رابطه چگونه است؟

¹Healy And Palepu

²Pakwan

³Heaton

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کلمه فرهنگ مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» به معنی کشیدن و نیز تعلیم و تربیت است. در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی واژه Culture بکار می‌رود و معنای آن کشت و کار یا پرورش بوده است، اما امروزه اصطلاح فرهنگ از نظر تنوع و وسعت معانی و سیر تاریخی و برداشت ادبی چنان ابعاد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آن را به مفهوم «دانش و تربیت» محدود دانست (روح‌الامینی، ۱۳۶۸، ۱).

هیتون (۲۰۱۶) تلاش کرد تا مدلی برای بررسی فرآیند تصمیم‌گیری مدیران با خوش‌بینی بالا، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی ارائه نماید. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که مدیران با خوش‌بینی بیش از حد، تحت این باور که بازار، ارزش پروژه‌های شرکت را کمتر از واقع تخمین می‌زند و هزینه‌های تأمین مالی خارجی بسیار بالا خواهد بود، حساسیت سرمایه‌گذاری خود را نسبت به جریان‌های نقدی آزاد، افزایش خواهند داد. همچنین مدیران خوش‌بین، اغلب جریان‌های نقدی را بیشتر از واقع پیش‌بینی می‌کنند. در نتیجه فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت نیز بیش از واقع ارزش‌گذاری خواهد شد.

داویدسون و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان "ارتباط بین رفتار مدیران، فرهنگ شرکت و ریسک گزارشگری مالی" انجام دادند که در تحقیق حاضر میزان ارتباط رفتار "خارج از محیط کار" مدیران که توسط مالکیت کالاهای لوکس (میزان صرفه‌جویی کم) و تخلفات حقوقی قبلی اندازه‌گیری می‌شود، با ریسک گزارش‌گری مالی بررسی شده است. در پژوهش فوق پیش‌بینی می‌شود که مدیران اجرایی (CEO) و مقامات ارشد مالی (CFO) با یک سوء سابقه حقوقی احتمال بیشتری برای ارتکاب تقلب دارند. در مقابل، پژوهش به هیچ‌گونه رابطه‌ای میان صرفه‌جویی مدیران و گرایش آن‌ها به ارتکاب تقلب دست نیافته است. با این حال، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود، پژوهش به این یافته رسیده است که مدیران اجرایی غیر صرفه‌جو دارای نظارت محیطی تقریباً سستی می‌باشند که به احتمال بالا و با افزایش ارتکاب به تقلب افراد داخل سازمانی و خطاهای گزارش‌گری غیر عمدی در طی سال‌های خدمت این مدیران مشخص می‌شود. علاوه بر این، تغییرات فرهنگی مرتبط با افزایش در ریسک تقلب از احتمال بیشتری در طی مدیریت مدیران غیر صرفه‌جو (در مقابل مدیران صرفه‌جو)، برخوردار است که شامل انتصاب یک مدیر ارشد امور مالی غیر

¹Davidson

صرفه‌جو، افزایش در مشوق‌های مبتنی بر حقوق سهام مدیران برای ارائه گزارش‌های نادرست و کاهش در شدت اقدامات نظارتی هیئت‌مدیره می‌شود.

حاجیها و خراط زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی به "بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و معیارهای خلق ارزش در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. بر اساس مبانی نظری فرهنگ قوی با عملکرد سازمان رابطه معنی‌دار دارد و باعث خلق ارزش در سازمان می‌شود. زمانی که ارزش‌های فرهنگی از انطباق سازمانی با محیط حمایت کنند، رابطه قوی‌تری برقرار می‌شود. در این پژوهش رابطه ابعاد فرهنگ سازمانی در مدل فرهنگ سازمانی موثرن با معیارهای نوین خلق ارزش، شامل ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و سود باقیمانده در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۶ بررسی شده است. نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت میان فرهنگ سازمانی و ارزش افزوده اقتصادی است. همچنین، از میان ابعاد فرهنگ رابطه قانون‌گرایی و سه معیار خلق ارزش قوی‌تر است.

سینایی و داودی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه شفاف‌سازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران به سنجش رابطه کیفیت گزارشگری مالی با رفتار سرمایه‌گذاران به‌منظور بیان شرایط مناسب برای بهبود عملکرد و سلامت معاملات در بورس پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که در دهه گذشته شفافیت بازارهای مالی به‌عنوان یکی از مؤثرترین متغیرها بر تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی مطرح بوده است. به همین دلیل پژوهش آن‌ها به بررسی ادراکات از شفافیت در بین سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که هر سه بعد شفافیت یعنی افشای اطلاعات مالی و شفافیت ساختار مالکیت و شفافیت ساختار هیئت‌مدیره بر رفتار سرمایه‌گذاران در بورس تأثیرگذار است البته سرمایه‌گذاران بیش از هر چیز به افشای اطلاعات مالی اهمیت می‌دهند.

فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین بعد فرهنگی فاصله قدرت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بعد فرهنگی فردگرایی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین بعد فرهنگی مرد گرایبی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین خوش بینی مدیریت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش همبستگی است و از روش توصیفی نیز استفاده شده است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و استفاده از اطلاعات سایت سازمان بورس اوراق بهادار، نرم‌افزار تدبیر پرداز بوده است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. در قسمت تحلیل توصیفی از آمارهای توصیفی از جمله میانگین، میانه، واریانس، چولگی و کشیدگی، برای تمام متغیرها و جهت تحلیل استنباطی نیز از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های هیئت‌رئیس با اثرات ثابت استفاده می‌گردد.

جامعه آماری شامل دو گروه می‌باشند: گروه اول مدیران مالی و مدیران عامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (آزمودنی‌ها) که به پرسشنامه پژوهش (تعداد ۲۵۰ پرسشنامه توزیع و تعداد ۱۸۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده است) پاسخ دادند و گروه دوم شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه‌گیری حذفی سامانمند با اعمال شرایط زیر است:

- ۱- اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای عملیاتی پژوهش، برای آن‌ها در دسترس باشد.
 - ۲- حداقل از سال ۱۳۸۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان دوره پژوهش در بورس فعال باشند.
 - ۳- پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه باشد.
 - ۴- جزء صنایع واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، بانکی، بیمه و لیزینگ نباشد.
 - ۵- بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.
 - ۶- مدیران عامل و مدیران مالی آن‌ها به پرسشنامه پاسخ داده باشند.
- تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در زمان انجام پژوهش ۴۸۸ شرکت بوده که با رعایت موارد فوق، تعداد مانده با انجام روش غربال‌گری ۱۵۴ شرکت است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۰۹ شرکت، به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

جامعه آماری دوم شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ بوده است. لازم به توضیح است که برخی از مدیران عامل به پرسشنامه پاسخ ندادند بنابراین برخی شرکت‌ها تنها یک پرسشنامه تکمیل شده داشته و سایرین دو پرسشنامه تکمیل شده توسط مدیر مالی و مدیرعامل.

مدل پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها

مدل آزمون فرضیه اصلی اول و دوم

$$\text{REP } jt = \beta_0 + \beta_1 \text{CUL}jt + \beta_2 \text{OPT } jt + \beta_3 \text{MVE } jt + \beta_4 \text{MTB } jt + \beta_5 \text{LEV } jt + \beta_6 \text{LOSS } jt + \beta_7 \text{DUAL } jt + \beta_8 \text{DECREN } jt + \beta_9 \text{NOA } jt + \beta_{10} \text{BIG } jt + \beta_{11} \text{SIZE } jt + \beta_{12} \text{AGE } jt + \beta_{13} \text{EARNING } jt + \varepsilon jt$$

مدل آزمون فرضیه‌های فرعی

$$\text{REP } jt = \beta_0 + \beta_1 \text{PD}jt + \beta_2 \text{UA}jt + \beta_3 \text{IDV } jt + \beta_4 \text{MF } jt + \beta_5 \text{MVE } jt + \beta_6 \text{MTB } jt + \beta_7 \text{LEV } jt + \beta_8 \text{LOSS } jt + \beta_9 \text{DUAL } jt + \beta_{10} \text{DECREN } jt + \beta_{11} \text{NOA } jt + \beta_{12} \text{BIG } jt + \beta_{13} \text{SIZE } jt + \beta_{14} \text{AGE } jt + \beta_{15} \text{EARNING } jt + \varepsilon jt$$

مدل پژوهش استفاده‌شده از مقاله داویدسون و همکاران (۲۰۱۳) استخراج شده است.

متغیر وابسته:

REP = ریسک گزارشگری مالی: محاسبه ریسک گزارشگری مالی شرکت‌ها بر اساس مقادیر کیفیت اقلام تعهدی (AQ) به ۵ دسته از کمترین مقدار عددی یعنی بیشترین کیفیت اقلام تعهدی تا بیشترین مقدار عددی یعنی کمترین کیفیت اقلام تعهدی رتبه‌بندی می‌شوند. برای هر دسته، میانگین بازده‌های اضافی ماهانه (میانگین افزایش بازده‌های ماهانه شرکت‌ها نسبت به نرخ بدون ریسک)، محاسبه می‌شود. ریسک گزارشگری مالی برابر با اختلاف بین میانگین بازده‌های اضافی ماهانه ۲ دسته بالا و ۲ دسته پایین است (فرانسیس او همکاران، ۲۰۰۵، کراوت و شولین، ۲۰۱۰). مدل استفاده‌شده در این پژوهش، جهت به دست آوردن کیفیت اقلام تعهدی، مدل دچو و دچو (۲۰۰۲) است. این مدل با این فرض ایجاد شده است که زمان تحقق و وقوع درآمدها و هزینه‌های شرکت، اغلب متفاوت از زمان دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی است. اقلام تعهدی در نتیجه این تفاوت، ایجاد و گزارش می‌شوند:

¹Francis

²Kravet, and Shevlin

متغیرهای مستقل:

CUL=فرهنگ: در این پژوهش به منظور سنجش فرهنگ، از مدل هافستد استفاده می‌شود. هافستد معتقد است که فرهنگ، برنامه‌ریزی جمعی است که اعضای یک گروه را از سایر گروه‌ها متمایز می‌نماید (۱۹۹۱). مؤلفه‌های متغیر فرهنگ به صورت زیر است:

PD=فاصله قدرت: که به کمک سؤال‌های اول تا ششم پرسشنامه که سبک تصمیم‌گیری مدیر و سبک تصمیم‌گیری موردعلاقه کارکنان و نیز نگرانی فرد از مسائل شغلی را مطرح می‌کنند، اندازه‌گیری می‌شود.

UA=اجتناب از عدم اطمینان: که به کمک سؤال‌های هفتم تا یازدهم پرسشنامه که در مورد اضطراب و عدم تخطی از مقررات شرکت و ساختار فعالیت‌ها بود، صورت پذیرفته است، اندازه‌گیری می‌شود.

IDV=شاخص فردگرایی: به کمک سؤال‌های دوازدهم تا شانزدهم پرسشنامه که مربوط به اهداف شغلی است، اندازه‌گیری می‌شود.

MF=شاخص مردسالاری: در مقابل زن‌سالاری به کمک سؤال‌های هفدهم تا بیست و پنجم پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود.

OPT=خوش‌بینی: که متغیر مصنوعی (مجازی) است، در صورتی که سود پیش‌بینی شده بیشتر از سود واقعی باشد، عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.

متغیرهای کنترل:

MVE=ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره که از حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت بازار هر سهم در پایان دوره مالی به دست می‌آید (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

MTB=نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره که نسبت مزبور معرف فرصت‌های رشد (نسبت کیو توین) است. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره که از حاصل ضرب تعداد سهام در قیمت بازار هر سهم در پایان دوره مالی به دست می‌آید (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

LEV=اهرم مالی که از نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان دوره محاسبه می‌شود (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۲).

LOSS=متغیر دامی است در صورتی که شرکت در دوره قبل زیان خالص گزارش کرده باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

DUAL=متغیر دامی است در صورتی که مدیرعامل شرکت عضو هیئت‌مدیره باشد، عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۲).

DECREN=متغیر دامی است در صورتی که سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه شرکت نسبت به دوره قبل کاهش یافته باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

NOA=خالص دارایی‌های عملیاتی شرکت در پایان دوره. دارایی‌های عملیاتی نیز از طریق جمع دارایی‌ها به کسر وجه نقد، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و سایر دارایی‌ها به دست می‌آید (مهرانی و تحریر، ۱۳۹۳).

BIG=متغیر دامی است در صورتی که حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (مهرانی و تحریر، ۱۳۹۳).

SIZE=اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود (مهرانی و تحریر، ۱۳۹۳).

AGE=عمر شرکت که از تفاوت سال تأسیس و سال موردبررسی محاسبه می‌شود (مهرانی و تحریر، ۱۳۹۳).

EARNING=ضریب پراکندگی سود که از طریق نسبت انحراف معیار بر میانگین سود سه سال قبل به دست می‌آید (مهرانی و تحریر، ۱۳۹۳).

روایی پرسش‌نامه

در این پژوهش با توجه به استاندارد بودن پرسش‌نامه به‌نوعی روایی آن به‌طور ضمنی مورد تأیید بود؛ اما به‌منظور اطمینان بیشتر از روش روایی صوری استفاده شد. به این منظور پرسش‌نامه در اختیار اساتید قرار گرفته و از آنان در مورد هر سؤال و در خصوص ارزیابی هدف مربوط، نظرخواهی شد و با اصلاحات جزئی پرسش‌نامه تأیید گردید.

پایایی پرسش نامه

پایایی به دقت، اعتمادپذیری، ثبات یا تکرارپذیری نتایج آزمون اشاره دارد. جهت سنجش پایایی ابزار اندازه گیری مورد استفاده در این پژوهش از روش آلفای کرون باخ که از مهم ترین و رایج ترین روش ها است، استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش آلفای کرون باخ پایایی پرسشنامه برآورد گردید. این برآورد با توجه به اینکه بالاتر از حداقل مقدار ۰/۷۰ است بیانگر این است که پرسش نامه مورد استفاده از پایایی بالایی برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

در جدول (۱)، آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش را در طی دوره مورد بررسی نشان می دهد.

جدول ۱. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	کشدگی	چولگی	حداقل	حداکثر
ریسک گزارشگری مالی	۰/۱۵۱۴	۰/۱۵۱۵	۰/۰۰۳۵	- ۱/۲۲۶	- ۰/۰۱۰	۰/۱۴۵۳	۰/۱۵۷۵
فاصله قدرت	۰/۶۵۷۰	۰/۶۶۱۵	۰/۱۵۳۶	- ۱/۴۴۳	- ۰/۷۴۹	۰/۳۶۹۰	۰/۹۱۳۷
اجتناب عدم اطمینان	۰/۷۰۰۲	۰/۷۰۵۰	۰/۱۶۳۶	۰/۲۱۴	۰/۴۴۳	۰/۳۹۳۲	۰/۹۷۳۷
فردگرایی	۰/۷۱۸۳	۰/۷۲۳۱	۰/۱۶۷۹	۲۳۱/۲۵۵	۶۳۸/۱۲	۰/۴۰۳۳	۰/۹۹۸۱
مرد گرایی	۰/۳۹۰۵	۰/۳۹۳۱	۰/۰۹۱۳	- ۰/۲۶۴	- ۰/۲۷۲	۰/۲۱۹۳	۰/۵۴۳۰
خوش بینی مدیریت	۰/۶۷۵۰	۱	۰/۴۶۸۷	۹/۸۱۸	۳/۴۳۴	۰/۰۰۰	۱
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۲۷/۰۳۹۴	۲۷/۰۲۷۶	۱/۵۰۸۱	- ۱/۹۵۰	- ۰/۲۳۵	۲۳/۰۶۹۹	۳۲/۲۴۳۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲/۹۰۷۴	۲/۰۵۷۷	۴/۶۳۲۰	- ۱/۹۷۶	- ۰/۱۷۱	۱۸/۹۹۱۷	۹۵/۳۳۳۳
اهرم مالی	۰/۶۰۲۹	۰/۶۱۴۴	۰/۱۶۹۰	۲۶۷/۳۰۹	۱۳/۹۴۵	۰/۰۹۶۴	۱/۰۲۷۴
زیان ده بودن	۰/۰۶۸۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲۲	- ۱/۹۶۷	- ۰/۱۱۷	۰/۰۰۰	۱
دوگانگی مدیرعامل	۰/۵۵۸۳	۱	۰/۴۹۶۹	۱۲۴/۱	۷۵۳	۰/۰۰۰	۱
کاهش سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه	۰/۵۴۲۶	۱	۰/۴۹۸۵	- ۰/۱۳۴	- ۰/۷۳۲	۰/۰۰۰	۱
خالص دارایی های عملیاتی	۲۶/۲۵۷۳	۲۶/۲۳۵۷	۲/۳۴۹۲	- ۱/۲۲۲	۰/۰۷۳	۲۵/۵۰۳۲	۳۰/۹۶۰۰

شرح متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	حداقل	حداکثر
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۵۴۲۶	۱	۰/۴۹۸۵	- ۱/۲۲۶	- ۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۱
اندازه شرکت	۲۷/۳۶۲۲	۲۷/۲۲۵۹	۱/۳۹۷۶	- ۱/۱۳۱	- ۰/۰۸۵	۲۳/۸۴۶۷	۲۷۰/۱۳۲
سن شرکت	۳۸/۴۶۵۳	۴۱	۱۰/۴۸۹۸	- ۱/۴۴۳	- ۰/۷۴۹	۸	۵۷
ضریب پراکندگی سود	۱/۵۳۶۰	۱/۵۰۸۹	۰/۶۳۴۵	۰/۲۱۴	۰/۴۴۳	۰/۴۵۱۴	۲/۶۴۹۳

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر ارائه گردیده است.

در این قسمت به بررسی ایستایی یا پایایی متغیرهای پژوهش پرداخته شد. به منظور بررسی پایایی، از آزمونیم، پسران و شین (۱۹۹۷) استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمونیم، پسران و شین (IPS)

متغیر	W-stat	p-value
ریسک گزارشگری مالی	۱۱۲/۵۶۷	۰/۰۲۱
فاصله قدرت	۱۹/۷۷۵	۰/۰۰۷۸
اجتناب عدم اطمینان	۹/۰۰۶	۰/۰۱۶
فردگرایی	۱۲/۰۰۷	۰/۰۱۲
مرد گرایی	۱۰/۱۱۱	۰/۰۱۱
خوش بینی مدیریت	۵۹/۵۴۳	۰/۰۰۰۱
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۲۱/۰۰۳	۰/۰۰۱۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲۱/۸۰۹	۰/۰۰۱۴
اهرم مالی	۸/۵۳۴	۰/۰۲۶
زیان ده بودن	۶/۱۲۸	۰/۰۴۳
دوگانگی مدیرعامل	۱۴/۷۳۲	۰/۰۱۷
کاهش سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه	۷۸/۱۲۱	۰/۰۰۸۷
خالص دارایی های عملیاتی	۸/۶۶۵	۰/۰۳۹
اندازه موسسه حسابرسی	۱۰/۵۰۳	۰/۰۱۷
اندازه شرکت	۲۷/۶۵۶	۰/۰۰۱۲
سن شرکت	۱۱/۴۴۴	۰/۰۱۵
ضریب پراکندگی سود	۹/۳۳۲	۰/۰۱۹

با توجه به نتایج آزمون IPS (جدول ۲)، چون مقدار P برای تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه این متغیرهای پژوهش در طی دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند نتایج آزمون IPS نشان می‌دهد که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

با توجه به ادبیات پژوهش موجود و نیز ماهیت فرضیه‌های پژوهش در این پژوهش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است

نتایج حاصل از برازش مدل‌های رگرسیونی پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. مقدار آماره F (۱۰/۸۸۷) جدول ۳ حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون است. همان‌طور که در قسمت پایین جدول ۳ مشخص شده است، ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارت‌اند از ۳۷/۲ درصد و ۳۲/۶ درصد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۳۲/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ریسک گزارشگری مالی) شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند.

جدول ۳. نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۰β	۰/۹۶۷	۰/۷۷۶	۰/۵۵۸
فاصله قدرت	۱β	۰/۲۱۹	۱/۱۷۳	۰/۴۵۵
اجتناب عدم اطمینان	۲β	-۰/۴۱۸	-۲/۰۳۴	۰/۰۰۳
فردگرایی	۳β	۰/۱۹۴	۲/۷۶۱	۰/۰۲۱
مرد گرایی	۴β	۰/۱۷۳	۱/۰۳۷	۰/۳۸۸
خوش‌بینی مدیریت	۵β	۰/۳۲۳	۲/۵۳۴	۰/۰۳۶
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۶β	-۰/۴۵۱	-۱/۱۰۳۲	۰/۴۰۷
ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	۷β	-۰/۹۱۱	-۲/۱۲۹	۰/۰۴۱
اهرم مالی	۸β	۱/۱۲۱	۳/۲۷۳	۰/۰۰۲۷
زیان ده بودن	۹β	۰/۷۴۳	۲/۹۲۱	۰/۰۱۵۳
دوگانگی مدیرعامل	۱۰β	۰/۳۶۶	۰/۵۷۶	۰/۱۲۱
کاهش سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه	۱۱β	۰/۴۴۲	۲/۳۱۱	۰/۰۳۴
خالص دارایی‌های عملیاتی	۱۲β	-۰/۴۵۳	-۱/۰۷۳	۰/۴۰۸

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
اندازه موسسه حسابرسی	۱۳β	-۱/۲۳۵	-۲/۶۷۳	۰/۰۲۳
اندازه شرکت	۱۴β	-۰/۹۴۷	-۱/۳۸۸	۰/۲۷۷
سن شرکت	۱۵β	-۰/۶۳۳	-۲/۱۴۱	۰/۰۴۳
ضریب پراکنندگی سود	۱۶β	۰/۳۷۶	۲/۰۰۲	۰/۰۴۶
ضریب تعیین	۰/۳۷۲	آماره F		۱۰/۸۸۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲۶	معنی داری (P-Value)		۰/۰۰۵۲
		آماره دوربین واتسون		۲/۰۰۷

فرضیه اول

بین بعد فرهنگی فاصله قدرت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. مطابق با جدول ۳، سطح معنی داری (sig) متغیر فاصله قدرت (PD) (۰/۴۵۵) بیشتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر (۱/۱۷۳) کمتر از آماره t به دست آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و فرضیه H1 مبنی بر این که بین بعد فرهنگی فاصله قدرت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد، رد می گردد.

فرضیه دوم

بین بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

مطابق با جدول ۳، سطح معنی داری (sig) متغیر بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان (UA) (۰/۰۰۳) کمتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر (-۲/۰۳۴) بزرگ تر از آماره t به دست آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H1 مبنی بر این که بین بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد، تأیید می گردد.

فرضیه سوم

بین بعد فرهنگی فردگرایی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. مطابق با جدول ۳، سطح معنی‌داری (sig) متغیر بعد فرهنگی فردگرایی (IDV) (۰/۰۲۱) کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته‌شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر (۲/۷۶۱) بزرگ‌تر از آماره t به‌دست‌آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H1 مبنی بر این که بین بعد فرهنگی فردگرایی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد، تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم

بین بعد فرهنگی مرد گرایی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. مطابق با جدول ۳، سطح معنی‌داری (sig) متغیر مرد گرایی (MF) (۰/۳۸۸) بیشتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته‌شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر (۱/۰۷۳) کمتر از آماره t به‌دست‌آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و فرضیه H1 مبنی بر این که بین بعد فرهنگی مرد گرایی و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد، رد می‌گردد.

فرضیه پنجم

بین خوش‌بینی مدیریت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. مطابق با جدول ۳، سطح معنی‌داری (sig) متغیر خوش‌بینی مدیریت (۰/۰۳۶) کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته‌شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر (۲/۵۳۴) بزرگ‌تر از آماره t به‌دست‌آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H1 مبنی بر این که بین خوش‌بینی مدیریت و ریسک گزارشگری مالی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری و بحث

تجزیه و تحلیل دقیق و نتیجه‌گیری درست از داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری‌شده، بدین دلیل که مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های آتی در سازمان‌ها، مراکز دانشگاهی و یا جامعه موردپژوهش قرار می‌گیرند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

اثر بعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان بر ریسک گزارشگری مالی شرکت مورد تأیید قرار گرفته و رابطه آن معکوس است. به عبارتی با افزایش اجتناب از عدم اطمینان و رفع نگرانی با ایجاد شفافیت، تدوین آیین‌نامه‌های شرکت، استقرار کنترل‌های داخلی مناسب و امثالهم ریسک گزارشگری مالی کاهش می‌یابد، این یافته صحیح است چرا که هر چه عدم اطمینان در محیط سازمان کاهش یابد، شفافیت افزون‌شده و ریسک گزارشگری مالی نیز کاهش می‌یابد.

اثر بعد فرهنگی فاصله قدرت و مرد گرایی بر ریسک گزارشگری مالی شرکت مورد تأیید قرار نگرفته و رد شدند. بدین معنی که تأثیری در کاهش یا افزایش ریسک گزارشگری مالی ندارند.

تأثیر بعد فرهنگی فردگرایی بر ریسک گزارشگری مالی شرکت مورد تأیید قرار گرفته و رابطه آن مستقیم است. به عبارتی با افزایش تصمیم‌گیری فردی به جای گروهی ریسک گزارشگری مالی افزایش می‌یابد، عدم مشارکت و تمرکز بالا نیز در سازمان ریسک را افزایش داده و منجر به عدم شفافیت در گزارشگری مالی خواهد شد.

تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از نقطه نظر مالی بیانگر این است که با افزایش ریسک گزارشگری مالی انحراف و تقلب در صورت‌های مالی افزایش می‌یابد؛ از این رو، شناخت تأثیر عوامل مختلف، خصوصاً عوامل رفتاری و فرهنگ سازمانی به مدیریت ریسک کمک خواهد کرد. ریسک و عدم اطمینان یکی از ویژگی‌های بارز محیط اقتصادی است. اساساً رویکرد شرکت‌ها نسبت به ریسک تصمیمات، معاملات و قیمت‌های بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصمیمات درست بر مبنای اطلاعاتی گرفته می‌شوند که ریسک و شرایط عدم اطمینان را تشریح می‌کند و یا به شناخت آن‌ها کمک می‌نماید. مهم‌ترین جز یک سیستم اطلاعاتی، گزارشگری مالی آن است. گزارشگری مالی شرکت، خواسته یا ناخواسته اثر انواع ریسک بر شاخص‌های ارزیابی، سود خالص و جریان نقدی آن را جهت‌دهی می‌کند و بر تصمیمات استفاده‌کنندگان اثر خواهد گذاشت. از سوی دیگر در نظر داشتن عوامل فرهنگی در تدوین استانداردهای گزارشگری مالی نیز دارای اهمیت است. بررسی چالش‌های گزارشگری مالی، عامل اساسی رفع اختلاف‌نظرهای موجود بین وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری و مقررات‌گذاران است. ضمناً این امر موجب می‌شود ساختار و محتوای گزارش‌های مالی نیز تبیین گردد و نتیجه‌نهایی آن ارائه یک سیستم گزارشگری مالی است که با مفاهیم مدیریت ریسک و اصول اندازه‌گیری آن سازگار است و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان بیرونی فراهم می‌آورد. به‌طور خلاصه عوامل فرهنگی می‌تواند بر ریسک گزارشگری مالی و در نتیجه بر عدم تقارن اطلاعاتی و در نهایت تصمیمات اقتصادی فعالان بازار سرمایه تأثیرگذار باشد.

تأثیر خوش‌بینی مدیریت بر ریسک گزارشگری مالی شرکت دارای ارتباط معناداری است و مورد تأیید قرار گرفت و رابطه آن با ریسک گزارشگری مالی به صورت مستقیم است. به عبارتی دیگر با افزایش خوش‌بینی مدیریت (برآورد سود بیشتر در بودجه) ریسک گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد.

این نتایج منطبق با نتایج پژوهش هایهیتون (۲۰۱۶)، دیویدسون وهمکاران (۲۰۱۳)، سینایی و داودی (۱۳۹۳)، حاجیها و خراط زاده (۱۳۹۳)، است.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

با عنایت به نتایج فرضیه اول تا چهارم (چهار بعد فرهنگی) به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی، نهادهای قانون‌گذار (از جمله سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران و...) و مدیران و مسئولان شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به منظور انتخاب پرتفوی بهینه با حداقل مخاطرات و بیشینه بازده سهام به ارتباط بین ابعاد فرهنگ شرکت (مانند فرهنگ تصمیم‌گیری فردی یا گروهی)، خوش‌بینی مدیریت با ریسک گزارشگری مالی توجه نمایند.

با توجه به نتیجه فرضیه پنجم به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی، نهادهای قانون‌گذار (از جمله سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران و...) و مدیران و مسئولان شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به منظور انتخاب پرتفوی بهینه با حداقل مخاطرات و بیشینه بازده سهام به ارتباط بین خوش‌بینی مدیریت (مانند پیش‌بینی سود بالا در بودجه یا مدیران غیر صرفه‌جو (مادی‌گرا)) با ریسک گزارشگری مالی توجه نمایند.

منابع

- Davidson, R., J. Goodwin-Stewart and P. Kent. (2013). "Internal governance structures and earnings management", *Accounting and Finance*, 45, 241-267.
- Farhangi, A. A. Rashid poor, A. Kavosi, E. (2015). *Culture and Organizations, Brain Planning, Tehran, Strategic Research Center, (in Persian)*.
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). "The market pricing of accruals quality". *Journal of Accounting and Economics*, 39, 29-32.

- Hajiha, Z. , Kharratzadeh, M. (2014). "Study of relationship between organizational culture and value creation criteria in companies listed in Tehran Stock Exchange", *Organization Cultural Management*, 12 (3) , 421-438, (in Persian).
- Healy, P , And K. Palepu. (2013). "Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: A Review of the Empirical Disclosure Literature", *Journal of Accounting and Economics*, 31 (1-3 , 405-440
- Heaton, J. B. (2016). "Managerial optimism and corporate finance", *Financial Management*, 31, 33-45.
- Hofstede, G. (1994). *Management scientists are human. Management Science*, 40 (1), 4-14.
- Karami, Gh. Omrani, H. (2010). "The Effect of Life-Cycle Stages and Accounting Conservatism on Firm Valuation", *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 59 (17), 79-96, (in Persian).
- Kravet, T. and Shevlin, T. (2010). "Accounting restatements and information risk", *Review of Accounting Studies*, 15 (2), 264-294.
- Mehrani, R. Tahrir, H. (2014). *the investigation of financial reporting risk and preferred stock Earnings per share in firms listed in Tehran Stock Exchange, Master dissertation, Shahid Beheshti University, (in Persian).*
- Mir Sepasi, N. (2015). *Strategic human resource management, Mir Publction, Tehran, (in Persian).*
- Mooij, M. D., & Hofstede, G. (2014). "Convergence and divergence in consumer behavior: implications for international retailing". *Journal of Retailing*, 78, 61-69.
- Pakwan, G. (2013). "Industry Determinants Of Organizational Culture", *Academy of Management Review*, 369- 415.
- Rahmani, A. Gholami Gakieh, F. Pakizeh, K. (2013). "The Impact of Financial Flexibility on Investment Ability and Firm's Value Enhancing", *Journal of Accounting Advances*, 4 (2) , 53-76, (in Persian).
- Roholamini, M. (1989). *Cultural Study Context, Attar Publication, Tehran, (in Persian).*
- Sinaei, H. A. Davodi, A. (2010). "Financial Information Transparency and Investor Behavior in Tehran Stock Exchange", *Journal of Financial Research*, 11 (27) , 43-60, (in Persian).
- Yeghaneh, Y. Ahmadi, M. (2013). "Relationship between corporate governance mechanisms and Conservatism", *Empirical Studies in Financial Accounting*, 10 (38) , 29-52, (in Persian).

- Yosefi Asl, F, Mollanazari, M. Soleimani Amiri, Gh. (2015). "Designing financial reporting transparency model", *Journal of Empirical research in accounting*, 4 (2), 1-38